

عباس خلجی*

چالش مذهب و مدرنیسم (۱) سیر اندیشه سیاسی مذهبی در ایران، نیمه اول قرن بیستم

چکیده:

این مقاله به معرفی و نقد کتاب چالش مذهب و مدرنیسم می پردازد. کتابی که چگونگی شکل گیری اندیشه اتحاد اسلام و سپس تطور آن به اندیشه حکومت اسلامی یا ولایت فقیه را در ایران بررسی می نماید. این اثر از جنبه پردازش موضوع برجستگی هایی دارد؛ اما در بررسی و آرایه اندیشه علمای مشروطه خواه و مشروعه خواه دچار اشتباه می شود که این مقاله درصدد تبیین و تحلیل نقادانه آن است.

واژگان کلیدی:

مذهب، مدرنیسم، انقلاب مشروطه، مشروعه، اتحاد اسلام، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، نائینی، شیخ فضل الله نوری، امام خمینی

مقدمه

کتاب چالش مذهب و مدرنیسم در زمره کتاب‌هایی قرار دارد که به بررسی موضوع مهم اندیشه سیاسی مذهبی در ایران می‌پردازد و موضوع و محتوای آن جذابیت خاصی دارد. اهمیت این گونه آثار، ضرورت نقد و بررسی آنها را دو چندان می‌نماید؛ زیرا با محک نقد، عیار آنها بهتر سنجیده می‌شود. این مقاله در صدد معرفی مختصر و نقد و بررسی کتاب حاضر است تا برجستگی‌ها و (احتمالاً) کاستی‌های آن را مشخص نماید. بنابراین، مطالب مقاله در چهار بخش عمده ساماندهی و ارایه می‌گردد:

۱. معرفی کتاب و ارایه چکیده مطالب آن به منظور آشنایی خوانندگان با موضوع و محتوای

متن؛

۲. نقد شکلی کتاب در قالب معرفی نقاط قوت و ضعف صوری آن؛

۳. نقد و بررسی محتوایی (علمی) کتاب، در چارچوب بررسی برجستگی‌ها و کاستی‌های

اثر؛

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مقاله و ارایه پیشنهاد.

در بخش چهارم، ضمن ارایه چکیده مطالب، پیشنهادات علمی سازنده و اصلاحی برای بهبود کیفیت شکلی و محتوایی کتاب - در صورت بازنگری و چاپ‌های احتمالی بعدی - توصیه می‌گردد که امید می‌رود برای نویسندگان و ناشر محترم اثر قابل استفاده باشد و خوانندگان محترم مقاله از آن بهره‌مند گردند. در واقع، هدف اصلی این نوشتار، در راستای برخورد اندیشه و تعاطی افکار، شکوفایی بیشتر و بهتر این حوزه فکری - فرهنگی است و به هیچ وجه قصد تخریب نویسندگان و اثر ارزنده‌اش را ندارد.

۱- معرفی کتاب

کتاب چالش مذهب و مدرنیسم از یک مقدمه کوتاه و دو قسمت عمده تشکیل شده است. در قسمت اول با عنوان «۱- از اتحاد اسلام تا حکومت اسلامی» و «۲- طرح قرائت نوین از مبانی سیاسی اسلام»، چگونگی پیدایش و شکل‌گیری ابعاد عقیدتی و سیاسی «اندیشه اتحاد اسلام» و

«حکومت اسلامی» یا «ولایت فقیه» بررسی و تبیین می‌گردد. در بخش مستقل «خاتمه»، مطالب این دو بحث جمع‌بندی می‌شود و نتیجه‌گیری نویسنده ارائه می‌گردد. اما قسمت دوم کتاب - که حجم عمده مطالب آن را در بر می‌گیرد - به عنوان «ضمایم»، در دو بخش جداگانه (اول: مقاله‌ها و رسالات مربوط به اتحاد اسلام و دوم: رساله‌های مربوط به حکومت اسلامی) سازمان یافته است. در این قسمت، پانزده مقاله یا رساله که در دوره مورد بحث در ایران منتشر شده، گردآوری، تنظیم و چاپ گردیده است.

مقدمه کتاب چگونگی پیدایش و تکوین اندیشه اتحاد اسلام و حکومت اسلامی در ایران را ریشه‌یابی می‌کند و انقلاب مشروطه را نقطه عطف آن تلقی می‌نماید. در این انقلاب، علمای مذهبی، موافقان و مخالفان مشروطه - با نفی اصول غربی مشروطیت، اصول اسلامی (شیعی) در باب حکومت را طرح نمودند. تداوم این تقابل، اصول و چارچوب‌های کلی حکومت اسلامی و ولایت فقیه را در ایران روشن ساخت. این کتاب در صدد ترسیم چگونگی شکل‌گیری مبانی و تکامل نظریه مذکور است و برای تبیین موضوع از رساله‌ها و مقاله‌هایی که در زمینه اندیشه سیاسی اتحاد اسلام، حکومت اسلامی و ولایت فقیه در خلال این دوره نگارش یافته و منتشر شده‌اند، بهره‌گیری نموده است. *تال جامع علوم انسانی*

به طور کلی مقطع زمانی ۲۳-۱۳۲۲، زمان تکوین اندیشه حکومت اسلامی در ایران تلقی می‌شود. زیرا به زعم نویسنده چاپ و انتشار رساله‌هایی در زمینه بیان اصول شیعی درباره دولت و حکومت، نقش ارزنده‌ای در شکل‌گیری چارچوب نظری حکومت اسلامی و ولایت فقیه ایفا می‌کند. این اصول اندیشه محصول تقابل دو تمدن غرب و اسلامی قلمداد می‌شود. در بخش «از اتحاد اسلامی تا حکومت اسلامی» بحث از رویارویی کشورهای مسلمان با غرب در قرن هجدهم آغاز می‌شود که آنان را به این نتیجه رساند که مقابله با تهاجم مغرب زمین، مستلزم اتحاد جوامع اسلامی است. رساله اتحاد اسلام شیخ‌الرئیس قاجار، قدیمی‌ترین اثر مکتوب به زبان فارسی درباره اندیشه اتحاد اسلام معرفی می‌شود و محتوای آن بررسی می‌گردد که چارچوب اصلی اندیشه اتحاد اسلام را بیان می‌کند. سپس جریده حبل‌المتین وظیفه تبلیغ این اندیشه را بر عهده می‌گیرد که وحدت دین و سیاست و اصالت دین محور اصلی مقالات آن بود. وقوع

انقلاب مشروطه مسیر گسترش اندیشه اتحاد اسلام را وارد مرحله جدیدی کرد که علمای ایران و نجف سهم عمده‌ای در آن داشتند. اما حوادث بعدی، به‌ویژه در مرحله تدوین قانون اساسی مشروطه، شکاف بزرگی بین آنها انداخت. آرا و اندیشه‌های آیت‌الله نائینی به عنوان نماد مشروطه‌خواهی و آرا و افکار شیخ فضل‌الله نوری به عنوان سمبل مشروطه‌خواهی بررسی می‌شود. اما به رغم این اختلاف ظاهری، به طرز تعجب‌آوری تفاوت‌های آنها انکار می‌شود.

نویسنده در تبیین این مقوله می‌نویسد:

در فراخنای اندیشه سیاسی، علمایی که به مخالف یا موافق مشروطیت مشهور شدند، تفاوتی با یکدیگر نداشتند. همان عبارت و مطالب بیان شده از سوی نائینی را (با اندکی تفاوت در نحوه عبارت‌پردازی) در بیان علمای مخالف نیز می‌توان یافت. مروری مختصر بر دو رساله حرمت مشروطه (از شیخ فضل‌الله نوری) و تذکرة الغافل (منسوب به شیخ فضل‌الله نوری) اثبات‌کننده این مدعا است. (۲)

وی سپس از خود می‌پرسد که علت منازعات علما علی‌رغم اندیشه واحد سیاسی چه بود؟ و در پاسخ علت آن را به رفتار سیاسی علما تقلیل می‌دهد [غافل از آنکه هر اختلاف رفتار سیاسی ناشی از اختلاف افکار و اندیشه‌ها می‌باشد] و می‌گوید:

اما نکته مهم دیگری که در مورد مباحث زمان مشروطیت می‌باید مشخص شود این است که اگر علمای موافق و مخالف مشروطه، هر دو دارای اندیشه سیاسی واحدی بودند، پس منازعات آنها با یکدیگر بر سر چه بود؟

علت منازعات علما با یکدیگر را نه در اندیشه سیاسی، بلکه در رفتار سیاسی آنان باید جستجو کرد. در حیطة رفتار و عملکرد، در باور گروهی از آنان مشروطه (آن‌گونه که در قانون و متمم قانون اساسی معرفی شده) علی‌رغم کاستی جدی آن، بر استبداد ارجح می‌باشد. [...] گروهی دیگر علی‌رغم اذعان به کاستی‌های جدی استبداد (آن‌گونه که رفتار محمدعلی شاه در طی سال‌های ۲۵-۱۳۲۴ قمری مشخص‌کننده آن است) آن را بر مشروطه و مشروطه‌خواهان ارجح می‌دانستند. مضافاً اینکه بسیاری از منازعات فوق در اصل ارتباطی به اندیشه سیاسی و عملکرد سیاسی نداشته و به مسائل دیگری باز می‌گشت. ولی در این منازعات، آنچه مهم است

وحدت غایت و مقصود علما، چه آنان که بعدها معروف به مشروطه‌خواه شده و چه آنانی را که مشروطه‌خواه نامیدند، بود و آن مقصود چیزی جز بازگشت به اصالت اسلامی و دورهٔ مجد عظمت مسلمانان نبود. بدین لحاظ است که پس از استقرار دائم مشروطیت در ایران (جمادی‌الاول ۱۳۲۷ قمری) روحانیون و مجتهدین با مشاهده رفتارهای مشروطه‌خواهان بر علیه روحانیون (از جمله اعلام شیخ فضل‌الله نوری) و انتشار مقالات در جراید در حمله به روحانیت (به طور عموم)، دچار دلسردی و زدگی از مشروطه شدند. لحن رسائل و اعلامیه‌های صادره از عتبات عالیات که مرکز فعالیت علما و مراجع شیعه در زمان مشروطه بود و نیز علما و روحانیون دیگر در ایران، در سال‌های ۲۸-۱۳۲۷ قمری، لحنی مایوسانه و معترضانه به اقدامات دولت مشروطه است. (۳)

به نظر نویسنده، در هنگامه‌ای که صدای اعتراض علما به گوش مشروطه‌خواهان و دولت نمی‌رسید، با امضای قرارداد ۱۹۰۷ بین دو دولت استعماری روسیه و انگلستان که به تقسیم مناطق تحت نفوذ آن دو در ایران می‌انجامید، وجه سیاسی اندیشه اتحاد اسلام دوباره تفوق یافت و قرارداد ۱۹۱۵ نیز آن را تقویت کرد. بنابراین، موجی جهانی به حمایت از ایران بلند شد: کنفرانس‌های لندن، اسلامبول و برخی کشورهای همسایه و مسلمان. اما با پایان جنگ جهانی اول و گسترش اندیشهٔ پان ترکیسم در عثمانی، صبغه سیاسی اندیشه اتحاد اسلام کم‌رنگ‌تر شد و با شکست دولت عثمانی و فروپاشی امپراتوری عثمانی، اعتقاد مسلمانان به وجه سیاسی اتحاد اسلام به سستی گرایید. اما وجه عقیدتی آن کماکان به قوت و حیات خود ادامه داد که در بخش بعدی، چگونگی تطور آن به اندیشه حکومت اسلامی یا ولایت فقیه بررسی می‌شود.

در بخش «طرح قرائت نوین از مبانی سیاسی اسلام»، انقلاب مشروطه تبلور وجه عقیدتی اندیشه اتحاد اسلام تلقی می‌شود. تعارض میان اندیشه سیاسی شیعی با اندیشه سیاسی غربی که در چارچوب اصول مشروطیت تجلی یافته بود، در واقع، همان تعارض اسلام و غرب در ابعاد وسیعی بود که در طول قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی در تمامی مناطق مسلمان‌نشین وجود داشت. از دیدگاه نویسنده، از این جنبه اصول اندیشه و باورهای اساسی علمایی که بعدها به مشروطه‌خواه مشهور شدند، با علمایی که به مخالفت با مشروطه معروف گشتند تفاوتی با

یکدیگر نداشتند. «در حیطة اندیشه نیز تحول مهمی در نگرش پیرامون حکومت و جایگاه روحانیت در آن، در بین پاره‌ای از متفکرین به وجود آمد. این تحول نخست در قالب انتشار مقالاتی در جراید آشکار شد.» (۴) که با هدف تخریب روحانیت صورت می‌گرفت. چاپ مقاله «اذا فسد العالم فسد العالم» توسط سیدحسن خان در جریده «حبل‌المتین تهران، غوغای بزرگی به راه انداخت و باعث حبس نویسنده آن شد.

در مقابل، مقالاتی در دفاع از اسلام و روحانیت و ترویج اندیشه اتحاد اسلام و حکومت اسلامی - و یا در نقد آنها - به چاپ رسید که رگه‌های اندیشه حکومت اسلامی و ولایت فقیه در آنها به چشم می‌خورد. مقاله «تجدید عالم اسلام» محمدعلی تهرانی، رساله «ملک الامام فی سلامه الاسلام، اسدالله مامقانی و کتاب دین و شئون و طرز حکومت در مذهب شیعه نامبرده، و رساله توضیح مرام شیخ رضا دهخوارقانی، از این مقوله هستند. در این میان، اهمیت کتاب دین در شئون و طرز حکومت در مذهب شیعه، در توجه اساسی به موضوع حکومت در شیعه است و حکومت و دولت، صرف‌نظر از انواع آن اصالت دارد که منشاء آن نیاز بشری تلقی می‌شود. رساله نجات اسلام سید حسین مترجم نظام مدنی نیز به خاطر ویژگی ممتازش واجد ارزش و اهمیت زیادی است و پریشان حالی ایرانیان را ناشی از عدم اجرای احکام مقدس اسلامی می‌داند.

استقرار دولت مدرن و مقتدر رضاشاه، در برابر هرج و مرج داخلی و اشاعه مرام مارکسیسم (خارجی) مورد استقبال روحانیون و علما قرار می‌گیرد اما اقدامات ضد مذهبی رضاشاه و عدم اجرای اصول مشروطه موجب بدبینی علما به دولت رضاشاه و حکومت مشروطه می‌شود. با سرنگونی وی فضای لازم برای نقد این دوره فراهم می‌گردد. در ابتدای دهه ۱۳۲۰ ش، چهار رساله و کتاب مهم در ایران نوشته می‌شود که - به نظر نویسنده - بیانگر چارچوب‌های نظری حکومت اسلامی و ولایت فقیه در ایران است. این چهار اثر عبارتند از:

۱. درد ایرانیان دوا نمی‌شود، مگر با انقلاب فکری، نوشته کمالی سبزواری؛

۲. توجیه کلمه، وحدت ملی، اثر حجت‌الاسلام خالصی‌زاده؛

۳. اسلام و مفهوم حقیقی حکومت ملی، تألیف حجت‌الاسلام خالصی‌زاده؛

۴. کشف الاسرار، نوشته حاج آقا روح‌الله الموسوی الخمینی.

چاپ این رسالات و کتاب‌ها به فاصله کوتاهی پس از انتشار کتاب اسرار هزار ساله از علی‌اکبر حکمی‌زاده صورت گرفت. وی به طور بی‌سابقه‌ای عقاید و سنن مرسوم شیعیان را مورد نقد قرار داده و به روحانیت و عقاید شیعه حمله کرده بود.

به نظر نویسنده، این آثار مباحث مبسوطی درباره حکومت اسلامی طرح کرده بودند و در واقع، نفی کامل مشروطیت را در برداشتند و منشور و بیانگر اصول حکومت اسلامی و اندیشه سیاسی فقها در چارچوب حکومت و نه امور حسبه بودند. به عبارتی، پیامد رویگردانی پاسداران شریعت از حکومت مشروطه - ایجاد حکومتی بر مبنای اصول مذهب و شریعت بود که بتواند با تهاجم عقیدتی، اجتماعی و فرهنگی غرب به مسلمانان ایران مبارزه کرده و نگهبان و حامی ارزش‌های دینی و مذهبی ایرانیان باشد. بدین سان وجه عقیدتی اندیشه اتحاد اسلام در درون مرزهای ایران به اندیشه حکومت اسلامی مبدل شد که بدون شک در اندیشه علما و مجتهدین مشروطه به‌ویژه نائینی ریشه دارد. با این تفاوت که علمای مشروطه دید مثبتی به حکومت مشروطه داشتند و در صورت نفی آن نیز بدیل حکومت اسلامی را مطرح نمی‌کردند. در حالی که آثار اخیر، از موضع نفی کامل مبانی رژیم مشروطه سخن گفته و به شیوه‌های گوناگون ابعاد و اصول مختلف حکومت اسلامی را بازگو می‌کردند. در نتیجه در پایان سال ۱۳۲۳، ویژگی‌های اساسی حکومت اسلامی مورد گفتگو قرار گرفت و جایگاه ولایت فقیه، مجلس شورا، شوری و مشورت، انواع قانون، قانون‌گذاری و قانون‌گذاران، جایگاه دستگاه‌های اجرایی به مفهوم جدید آن، رابطه مردم با حکومت و حاکم اسلامی تعریف و تبیین شد. از همه مهم‌تر، خاستگاه و چارچوب حکومت اسلامی (ولایت فقیه) مورد بحث قرار گرفت و مشخص شد.

در سال ۱۳۲۶، اثر دیگری با عنوان حکومت در مذهب شیعه توسط قاسم توپسرکانی به چاپ رسید که به نقد حکومت و ولایت فقها پرداخته و آن را غیرقابل اجرا قلمداد کرده بود. اما این رساله - از دیدگاه نویسنده - نتوانست از نظریات حکمی‌زاده فواتر رود. بنابراین، تأثیر چندانی بر جای نگذاشت.

حال این سؤال پیش می‌آید که چرا مباحث حکومت اسلامی تا دهه ۱۳۴۰ پی‌گیری نشد؟ به نظر نویسنده، شرایط سیاسی و اجتماعی ایران اجازه این پی‌گیری را نمی‌داد. زیرا در این شرایط سه خطر اساسی برای نیروهای مذهبی متصور بود:

۱. رژیم مشروطه که به شدت با اندیشه و فرهنگ اسلامی تعارض داشت؛ ۲. گسترش اندیشه و مرام مارکسیستی که اساساً با دین و مذهب و کلیه شئون آن در تضاد بود؛ ۳. نیروهای سکولار نظیر حکمی زاده و کسروی که فعالیت‌های روحانیون آن را تضعیف کرده بود. بنابراین، از میان دو خطر باقی‌مانده (رژیم مشروطه و گروه‌های چپ‌گرا) اهم و مهم صورت گرفت و دفع خطر دوم بر خطر اول ترجیح داده شد.

با این حال، آثار چهارگانه مذکور برای ترسیم کلیات، مبانی و رئوس اصلی حکومت اسلامی کافی تلقی می‌شود. زیرا این مجموعه، اصول کلی اندیشه سیاسی شیعه در باب دولت و حکومت، یعنی حکومت اسلامی یا ولایت فقیه را بیان می‌کرد.

۲- نقد شکلی اثر

ابتدا نقاط قوت و ضعف صوری کتاب - به طور مختصر - بررسی می‌شود و سپس به مباحث اساسی این مقاله که نقد و بررسی محتوای کتاب و تبیین اهمیت، برجستگی‌ها و کاستی‌های آن می‌باشد، پرداخته می‌شود.

۲-۱- کتاب چالش مذهب و مدرنیسم، از حیث شکلی دارای نقاط قوت و جذابیت‌های زیر

است:

- سبک و شیوه نگارش اثر، به‌ویژه در قسمت اول که حاصل پژوهش‌ها و تألیف صاحب اثر می‌باشد، روان و رساست و از سلامت نسبی برخوردار است.

- قواعد ویرایش و نگارش قسمت مذکور کتاب به طرز مناسبی رعایت شده است.

- کیفیت اثر از حیث حروف نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی، طرح جلد و ... مناسب و حتی

جذاب می‌باشد.

- حجم اثر بر قسمت تألیفی نویسنده، با توجه به اهمیت داده‌ها و مطالبی که گردآوری

نموده و به تبیین و تحلیل آنها پرداخته است - و حدود ۱۳۰ صفحه از حجم کتاب را دربر می‌گیرد - بسیار مناسب است و خالی از هرگونه حاشیه‌روی و عبارت‌پردازی‌های اضافی می‌باشد.

- نویسنده هدف از نگارش اثر را به صورت صریح در مقدمه کوتاه خود بیان داشته و طرح بحث مقدماتی مناسبی - هم در مقدمه و هم در ابتدای بخش‌های مستقل ۱ و ۲ قسمت اول دارد. ضمن آنکه در بخش مستقل «خاتمه» (در صص ۱۳۱-۱۲۳) مباحث قبلی را جمع‌بندی کرده و به طور صریح به نتیجه‌گیری پرداخته است.

به طور کلی، صرف‌نظر از ایرادات شکلی که در جای خود توضیح داده می‌شود - کتاب از نظر شکلی جذاب و قابل قبول است. البته سبک ادبیات قسمت «ضمایم» که حاوی مقالات و رساله‌های دوره مورد بحث است، به طور طبیعی، با سبک و شیوه نگارش عصر حاضر هماهنگ نیست و به تبع آن برای خوانندگان ثقیل و سنگین است. اما این مسأله، در متون تاریخی پیوستی و ضمیمه طبیعی و بدیهی به نظر می‌رسد.

۲-۲- در کنار نقاط قوت شکلی که برخی از آنها برشمرده شد، گاهی نقاط ضعف صوری نیز در متن وجود دارد:

- علی‌رغم روانی و سلاست کلی قسمت اول کتاب، گاهی ابهام و پیچیدگی در آن مشاهده می‌شود که مستلزم ویرایش فنی و ادبی مجدد است. مانند ابهام بند آخر ص ۹۹: عدم تداوم مطالب و در نتیجه ایجاد ابهام در بند اول ص ۱۱۴: ابهام در بند آخر ص ۱۰۶ و بند اول ص ۱۰۷ که احتمالاً ناشی از حذف غیرعمد بخشی از مطالب این دو بند است.

- به رغم رعایت قواعد ویرایش و نگارش در قسمت اول، به صورت معدود اغلاط املائی یا چاپی مشاهده می‌شود که موجب تغییر معنای جمله شده است. مانند کلمه «اخلاق» در سطر سوم بند سوم ص ۹۵ که واژه «اخلال» صحیح است. همچنین اسم خاص «عمر بن حنظله» در جای دیگری «عمر بن حنظله» ذکر شده است. گاهی نیز جملات طولانی فهم مطالب را مشکل می‌سازد. مانند بند شماره ۲ در ص ۱۱۷.

- کتاب فاقد برخی موارد شکلی است که افزودن آنها می‌تواند در بهبود کیفیت شکلی و غنای علمی کتاب مؤثر باشد. مانند پیشگفتار، مقدمه بخش‌ها، خلاصه بخش‌ها و خلاصه کلی

کتاب، فهرست تفصیلی مطالب، فهرست منابع، کتابشناسی، فهرست موضوعی و...
 - حجم زیادی از واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی حوزه اندیشه سیاسی مذهبی ایران که در کتاب به کار رفته است، واژه‌های عربی است. زیرا اولاً در ادبیات دوره مورد بحث از کلمات عربی زیادی استفاده می‌شد؛ ثانیاً بیشتر نویسندگان رساله‌ها و مقاله‌ها و کتاب‌های این دوره و به طور کلی صاحب نظران اندیشه سیاسی مذهبی، در حوزه علمیة نجف زندگی می‌کردند. بنابراین، در راستای تفهیم بهتر مطالب و راهنمایی خوانندگان این اثر، فقدان یک فهرست موضوعی فارسی به عربی و عربی به فارسی احساس می‌شود.
 - برخلاف جذابیت‌های شکلی مذکور، نوع کاغذ کتاب از کیفیت بالایی برخوردار نیست و متوسط ارزیابی می‌شود.

۳- نقد محتوایی (علمی) متن

این بخش به نقد و بررسی مسائلی اساسی کتاب از جنبه علمی می‌پردازد و در واقع، بخش پیشین مقدمه‌ای برای ورود به این بخش تلقی می‌شود. ابتدا نقاط قوت کتاب در قالب برجستگی‌های اثر معرفی می‌گردد و سپس نقاط ضعف آن به عنوان کاستی‌های اثر به بوته نقد گذاشته می‌شود.

۳-۱- کتاب حاضر، از حیث محتوایی، از برجستگی‌های زیر برخوردار است:

- کتاب حاوی حجم وسیعی از واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی حوزه اندیشه سیاسی مذهبی ایران است که در جای جای مطالب و به فراخور موضوع به کار گرفته شده‌اند. مثلاً واژه‌های اغتصاب حق، امور حسبیه، سلطنت، سلطان، ولایت، حکومت، امامت، مشروطه، مشروعه، نیابت، شارع مقدس، وظایف حسبیه، فقها، دین، ناموس، عزت، شئون، شوکت و... تنها در صص ۱۸ و ۲۴ به کار رفته‌اند. واژه‌های قدر مقدور، هیأت مسدده، طایفه امامیه، ملکه عدالت، قوه عاصمه عصمت، قوه علیه، مجتهد جامع الشرائط، اغتصاب ردا و کبریایی عزاسمه، ساحت اقدس احدیت، اغتصاب رقاب و بلاد، مجتهد نافذ الحکومه، تنفیذ آراء و... نیز در صص ۳۲ به کار گرفته شده‌اند. در بقیه صفحات کتاب نیز به تناسب موضوع از واژه‌های تخصصی

مربوطه استفاده شده است.

- طرح بحث مقدماتی و جمع‌بندی نهایی اثر در بخش «خاتمه» مناسب است و به خوبی صورت گرفته است.

- جامعیت موضوع و محتوا، به طور نسبی در چارچوب ساختار کتاب حاصل شده است. - محتوای اثر با عنوان و فهرست آن در چارچوب هدف نویسنده - که بررسی مقاله‌ها و رساله‌های حوزه اندیشه سیاسی مذهبی، به‌ویژه در محور اندیشه اتحاد اسلام، حکومت اسلامی و ولایت فقیه در نیمه اول قرن بیستم است - منطبق می‌باشد. با تطبیق محتوای متن با عنوان و فهرست مطالب، چنین به نظر می‌رسد که تمامی عناوین موجود در فهرست مطالب مورد بررسی قرار گرفته است و هدف نویسنده تأمین شده است. - این کتاب مطالب اصلی حوزه اندیشه سیاسی مذهبی دوره مورد نظر را تحت پوشش قرار می‌دهد.

- نگارش، چاپ و انتشار این کتاب از چند جنبه نوآوری تلقی می‌شود و افقی جدید بر روی خوانندگان می‌گشاید:

الف) این گونه متون خود یک نوآوری تلقی می‌شوند. زیرا با گردآوری و طبقه‌بندی آثار یک دوره تاریخی در حوزه خاصی از مسائل ایران و اسلام، نسبت به بازسازی فضای آن عصر و تبیین و تحلیل ایده‌ها و اندیشه‌های افراد و گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و مذهبی اقدام می‌نمایند. در واقع، ذهن خواننده را به یک فضای تاریخی بازسازی شده منتقل نموده و در این فضا، اندیشه‌های رایج دوره را تبیین و تحلیل می‌نمایند.

ب) کتاب حاضر در این بعد نوآورانه است که آرا و افکار دو جناح عمده مشروطه‌خواه و مشروطه خواه در انقلاب مشروطیت، به‌ویژه اندیشه‌های رهبران این جناح‌ها، یعنی نائینی و نوری را به همدیگر نزدیک دانسته و اختلاف و منازعاتشان را رد کرده است. وی با تأکید بر نکات اشتراک آنها - و نه وجوه افتراقشان - به بررسی مبانی و اصول فکری و البته پیامدهای این آرا و افکار، یعنی شکل‌گیری نظریه حکومت اسلامی پرداخته و با تطبیق و تبیین آرا و اندیشه‌های نائینی و نوری، تفاوت اندیشه آن دو را به عنوان نماد مشروطه‌خواهی و

مشروع خواهی رد نموده و برای اثبات ادعای خود به متون آن دو استناد و ارجاع می دهد. صرف نظر از درستی یا نادرستی این ادعا - که در جای خود توضیح داده خواهد شد - نفس این کار نوآوری تلقی می شود و برخلاف جریان ساری و جاری در ادبیات سیاسی این سده می باشد.

ب) اهمیت دیگر کتاب تبیین تازگی شکل گیری مفهوم نظریه حکومت اسلامی یا ولایت فقیه در این دوره می باشد. به عبارت دیگر، چگونگی شکل گیری مفهوم حکومت اسلامی یا ولایت فقیه در ابتدای قرن نوزدهم ایران به خوبی توضیح داده می شود و این تبیین و تحلیل با ارجاع و استناد به منابع اصلی و دست اول این دوره مستند می شود.

- نظم منطقی و انسجام مطالب در چارچوب طراحی شده نویسنده تأمین شده است.

- استنادات و ارجاعات دقیق به منابع مربوطه از نقاط قوت کتاب است.

- بهره گیری از بیشتر کتاب ها، رساله ها و مقالات جراید که در این دوره به بحث حکومت و

سیاست از دیدگاه مذهبی پرداخته اند، کفایت منابع را فراهم کرده است.

- پیوست و ضمیمه کردن برخی از مهم ترین متون و آثار مورد بررسی بر اعتبار کتاب افزوده

است.

- رویکرد مناسب فکری - فرهنگی بر مهم ترین مباحث مورد نیاز جامعه علمی و فرهنگی

کشور، یعنی تبیین و تحلیل ریشه های فکری حکومت اسلامی و نظریه ولایت فقیه در ایران و

مشخص کردن نقاط عطف آن که از منظر نویسنده، انقلاب مشروطیت و اوایل دهه ۱۳۲۰ ش

می باشد. بنابراین می تواند از نظر سیاسی، اجتماعی و فکری - فرهنگی، تأثیر سازنده ای در

برداشته باشد.

- اگر تلقی کهن یا تاریخی از متون پیوستی به عمل آید، قسمت اول کتاب را می توان به

عنوان مقدمه، تحشیه، پاورقی یا پی نوشت آنها برای ابضاح بهتر و بیشتر این رساله ها و مقالات

قلمداد نمود که با بازسازی فضای سیاسی، اجتماعی و فکری - فرهنگی آن دوره، کمک زیادی به

تبیین دقیق شکل گیری اندیشه اتحاد اسلام و سپس ظهور نظریه حکومت اسلامی یا ولایت فقیه

می کند. در واقع، قسمت اول کتاب (حدود ۱۳۰ صفحه) مقدمه ای بر قسمت دوم کتاب یعنی

ضمایم: رساله ها و مقاله های آن دوره (حدود ۲۴۰ صفحه) می باشد. به طور کلی، کتاب از حیث

موضوع و محتوای علمی، اثر مهم و قابل اعتنائی است و مطالب در خور توجهی را در برمی‌گیرد.

۳-۲- این کتاب علاوه بر نقاط قوت مهمی که بر شمرده شد و توضیحات لازم درباره آنها در بالا داده شد، از برخی از کاستی‌ها و کمبودها رنج می‌برد و یا نویسنده در تبیین و تحلیل خود دچار اشتباهاتی شده است که به عنوان نقاط ضعف آن به ترتیب ارایه می‌گردد:

- کتاب از فقدان یک چارچوب نظری مشخص رنج می‌برد. برای بررسی نقادانه مقوله مهم حکومت اسلامی و چگونگی شکل‌گیری آن در یک دوره تاریخی، ترسیم یک چارچوب نظری علمی و دقیق و ارایه ابعاد و زوایای مختلف آن در یک بخش مقدماتی به عنوان کلیات بحث ضروری است. نبود این چارچوب نظری و عدم تقسیم‌بندی دقیق نحله‌های فکری اندیشمندان سیاسی مذهبی این دوره و مهم‌تر از آن عدم تبارشناسی این اندیشه‌ها، موجب عدم تشخیص آبخورهای فکری اندیشمندان مورد بررسی، به‌ویژه نائینی و نوری شده است. در نتیجه، قرائت نادرستی از آرا و اندیشه‌های آنها ارایه گردیده که مطابق با واقع به نظر نمی‌رسد. البته عدم دقت در متون آنها نیز می‌تواند در این قرائت مؤثر بوده باشد.

- فقدان یک بررسی نقادانه در ادبیات موضوع، چشمگیر است. مطالب کتاب به بررسی آثار و ادبیات موضوع متکی نیست. بنابراین، نویسنده نمی‌تواند تحلیل دقیق و نقادانه‌ای که در برگرفته نظرات همه صاحب‌نظران این حوزه فکری باشد، ارایه دهد. علاوه بر آن، روزآمدی داده‌ها و اطلاعات، با بهره‌گیری از منابع جدید و آخرین آثار منتشره درباره این موضوع، قابل بهبود کمی و کیفی است و بر غنای مطالب خواهد افزود. در حالی که در این اثر، به غیر از منابع دست اول که تبیین و تحلیل نویسنده بر آنها متکی است، از منابع دیگری استفاده شده است.

- مقالات و رسالات پیوستی در ضمایم کامل نیست و برخی از مهم‌ترین این آثار نادیده گرفته شده‌اند. مثلاً جای کتاب کشف الاسرار امام خمینی و کتاب حکومت در مذهب شیعه قاسم توپسرکانی، در میان این مجموعه خالی است. ممکن است حجم زیاد آنها بهانه این غفلت بوده باشد اما با این حال، ارایه خلاصه‌ای از مطالب آنها در این قسمت لازم است.

- از کلیه ابزارهای علمی لازم برای تبیین مباحث و تمرین بهتر مطالب، مانند تمرین آزمون،

نمودار جدول آمار، نقشه، تصویر، منحنی و ... استفاده نشده است. البته با توجه به عدم پی‌گیری اهداف آموزشی و تدریس این مسأله قابل توجه و قابل قبول است اما در مواردی مانند بحث قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ بهره‌گیری از نقشه و تصویر ضروری به نظر می‌رسد. مبحث اتحاداسلامی نیز مستلزم استفاده از نقشه، تصویر برای روشن شدن حدود و ثغور آن است.

- برخلاف به کارگیری وسیع واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی، نه تنها معادل سازی‌های مناسبی صورت نگرفته است، بلکه معادل سازی این واژه‌ها به بوته فراموشی سپرده شده است. طیف گسترده این اصطلاحات معادل‌های روانی را می‌طلبد تا کتاب برای کلیه خوانندگان، به‌ویژه در سطح کارشناسی رشته‌های علوم اجتماعی، علوم سیاسی، تاریخ و ... به راحتی قابل استفاده باشد. مگر اینکه، کتاب صرفاً یک متن تخصصی برای محققان و دانش پژوهان سطوح عالی تلقی شود.

- در برخی موارد ادعاها و تحلیل‌های ناقص نویسنده بر جامعیت موضوع و محتوا لطمه وارد می‌کند و اذهان خوانندگان را مشوش می‌سازد. ضمن آنکه این دعاوی به هیچ منبع معتبری استناد و ارجاع داده نمی‌شود. مثلاً او مدعی است که بسیاری از منازعات علما در جریان انقلاب مشروطه، ارتباطی به اندیشه سیاسی آنها نداشت و به مسائلی دیگری باز می‌گشت. (۵) اما توضیح نمی‌دهد که این «مسائل دیگر» چه بودند که بسیاری از اختلافات و منازعات علما بر سر آنها روی داد و موجب شکست انقلاب مشروطیت شدند؟ پاسخ این سؤال از دو حال خارج نیست؛ یا اینکه از دیدگاه نویسنده، این «مسائل دیگر» آنقدر بدیهی‌اند که نیازی به توضیح و تبیین آنها وجود ندارد، یا اینکه اصلاً قابل توضیح و تبیین نیستند و باید در پس پرده ابهام باقی بمانند تا زمان بیان آن فرا رسد. به نظر نگارنده این سطور هیچ یک از اینها نمی‌تواند درست باشد. زیرا در یک طرح پژوهشی باید از مواضع ابهام اجتناب کرد و هرگونه مطلبی یا چیزی که موجب ابهام خوانندگان شود، بایستی به طور شفاف و بی‌پرده توضیح داده شود. به نظر می‌رسد یکی از مسائلی که موجب اختلاف و منازعه علما شد، تصدی منصب مرجعیت در آن زمان باشد که همواره - در طول تاریخ - موجب اختلاف مرجعیت و هواداران‌شان شده است و احتمالاً نویسنده قصد ورود به این بحث مناقشه برانگیز را نداشته است.

وی همچنین، علت اصلی منازعات علما در انقلاب مشروطیت را در رفتار سیاسی آنها خلاصه می‌کند و ترجیح استبداد محمدعلی شاه‌ی یا هواداری از مشروطیت را صرفاً در حیطه رفتار و عملکرد آنها به بحث می‌گذارد. (۶)

آیا رفتار و عملکرد هر کسی ناشی از آرا و اندیشه هایش نمی‌باشد؟ آیا رفتار و عملکرد در خلاء صورت می‌گیرد؟ آیا هیچ تفکر و اندیشه‌ای پشتوانه نظری رفتار و عملکرد افراد و گروه‌ها نمی‌باشد؟ آنچه مسلم است اعمال انسان مبتنی و متکی بر آرا و اندیشه هایش می‌باشد و این امر، در میان اندیشمندان و صاحب نظران و سیاستمداران به طریق اولی بیشتر صدق می‌کند. از نظر نگارنده مقاله، اختلاف عملکرد مشروعه خواهان با مشروطه خواهان به طور کلی و اختلاف رفتار رهبران دو جناح اصلی مشروطیت، یعنی نائینی و نوری به طور خاص، به هیچ وجه از اختلاف مبانی فکری و آرا و اندیشه‌های آنها قابل تفکیک نمی‌باشد. این مبانی فکری متفاوت آنهاست که منجر به پیامدهای متفاوتی در عرصه عمل سیاسی و اجتماعی می‌شود. به نظر می‌رسد علت اصلی اختلاف مشروطه خواهان و مشروعه خواهان، به ویژه نائینی و نوری را باید در مبانی فکری آنها، یعنی در ابعاد خداشناختی، هستی شناختی، انسان شناختی از یک سو، و نحوه نگرش آنها نسبت به مسأله جامعه و حکومت و وظیفه متقابل مردم و حکومت نسبت به یکدیگر و مشروعیت حکومت در زمان غیبت کبری و ... از سوی دیگر جستجو کرد تا بتوان قرائت درستی از آرا و اندیشه‌های آنها درباره حکومت مشروطه ارایه داد. در این صورت، هرگز نمی‌توان به عدم اختلاف در میان آرا و اندیشه‌های آن دو رأی داد. زیرا اساساً مبانی فکری و آبشخورهای اندیشه آنان متفاوت است. اگرچه نائینی نیز مانند نوری حکومت را از آن خدا، پیامبر و ائمه می‌دانست، ولی برخلاف وی در صدد واگذاری حکومت به نواب عام در زمان غیبت کبری نبود. در اینجا اختلاف اساسی آن دو رخ می‌نمایاند و پیامدهای سیاسی خاص خود را به بار می‌آورد. در واقع از نگاه نائینی، مشروعیت ذاتی حکومت با غیبت امام زمان (عج) گره خورده است. حکومت به طور ذاتی در صلاحیت امام زمان است و بعد از غیبت او هیچ حکومت مشروعی نمی‌تواند تشکیل شود. اما برای سامان بخشی به زندگی سیاسی و اجتماعی مسلمانان حکومت «قدر مقدور» مشروطه سلطنتی توصیه می‌شود. در این حکومت به جای سه

ظلم (ظلم به خدا، ظلم به امام و ظلم به مردم) تنها یک ظلم (ظلم به امام) صورت می‌گیرد که آن هم به مرور زمان قابل رفع است. در حالی که نوری بر مبنای حاکمیت مشترک فقیه و سلطان، حکومت سلطان عادل را به عنوان یک حکومت مشروع می‌پذیرد، حکومتی که احکام اسلامی را اجرا می‌کند. در نگاه وی، سلطان در چارچوبه مقید مشروعه بهتر از سلطان مشروطه است. در واقع نیابت حکومت مشروع امام زمان را بر عهده دارد. بنابراین میان اندیشه سیاسی نوری و نائینی، تفاوت زیادی وجود دارد و تبعات سیاسی مهمی بر این تفاوت‌ها مترتب است. این تفاوت‌ها ناشی از آبخورهای فکری آن دو است. نوری به گونه‌ای متأثر از میرزای قمی بود و به حاکمیت دوگانه یا تقسیم وظایف حکومتی میان فقیه و سلطان نظر داشت (یعنی نه ولایت فقیه را رد می‌کرد و نه به طور مطلق می‌پذیرفت)؛ اما نائینی از شیخ مرتضی انصاری تبعیت می‌کند که به ولایت فقها قایل نبود و حکومت را ذاتاً در شأن و حق امام زمان می‌دانست و حکومت‌های دوره غیبت را نامشروع تلقی می‌کرد. البته بدیهی است که نامشروع تلقی کردن حکومت‌ها باعث عدم تشکیل حکومت نمی‌شود. بلکه حکومت امری سیاسی و اجتماعی است که برای نظم و سامان زندگی مسلمانان لازم است. اما در این میان، علما و مجتهدین وظیفه‌ای در قبال سیاست و حکومت ندارند و وظایف آنها در امور شرعی و تبلیغی اسلام محدود است. پیروان شیخ انصاری، بر اساس نظریات وی دخالت مجتهدین و علما (فقها) را در امر سیاست و حکومت مجاز نمی‌دانند.

– جهت‌گیری علمی نویسنده در تفسیر و تبیین متون مورد بررسی نیز خالی از اشکال نیست و برای تفسیر یک متن تاریخی باید آن را فقط در بستر زمانی خود و با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر آن دوره ملاحظه کرد. این تفسیر نباید تحت الشعاع تفاسیر متون دیگر صاحب اثر و یا شرایط سیاسی و اجتماعی آینده قرار گیرد. به‌طور مثال، چنین به نظر می‌رسد که این ملاحظات در تفسیر کتاب کشف‌الاسرار حاج آقا روح‌الله خمینی مدنظر قرار نگرفته است. نویسنده بر این باور است که کتاب کشف‌الاسرار در برگیرنده مشخصات جدیدی از حکومت اسلامی و ولایت فقیه است. (۷) در حالی که به نظر نمی‌رسد این ادعا با واقعیت مطابقت داشته باشد. زیرا اساساً نظریه حکومت اسلامی و ولایت فقیه امام خمینی بعد از دهه ۱۳۴۰، به

صورت منسجم، مستدل و مستند، تبیین و ارایه گردید. هدف از نگارش کشف الاسرار، پاسخگویی به کتاب اسرار هزار ساله حکمی زاده و رد شبهات آن بود، نه ترسیم نظریه حکومت اسلامی یا ولایت فقیه. احتمالاً در این زمان امام خمینی در مسأله سیاست و حکومت، به ویژه حکومت اسلامی پیرو نظریه شیخ انصاری در باب حکومت بود و تا آغاز دهه ۴۰ بر این مسأله پایبند بود. عدم مخالفت ایشان با رویه آیت الله بروجردی در قبال سیاست و حکومت مؤید این ادعاست. در واقع امام خمینی به قانون اساسی مشروطه پایبند بود و بر امکان اصلاح حکومت پهلوی باور داشت. وگرنه اصلاً کتاب کشف الاسرار را نمی نوشت و چاپ و منتشر نمی کرد. زیرا او در این کتاب به نقد دوران دیکتاتوری رضاشاه می پردازد و همان گونه که در کتاب چالش مذهب و مدرنیسم آمده است، مشخصات سلطنت و حکومت مورد نظر فقها را بیان می کند و پیشنهاداتی برای اصلاح قوای مختلف حکومت: مقننه، قضائیه و مجریه ارایه می دهد. (۸) اما به صراحت از تشکیل حکومت اسلامی که ولی فقیه عهده دار مسئولیت آن باشد، سخن نمی گوید. به نظر می رسد در اوایل دهه ۱۳۴۰، یعنی هنگامی که امام خمینی از اصلاح رژیم پهلوی مأیوس شد و این ناشی از اعمال ضد مذهبی رژیم شاه در تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی، انقلاب سفید و سرکوب خونین قیام یازده خرداد بود، از نظریه شیخ انصاری به نظریه صاحب جواهر عدول کرد و در نتیجه به تشکیل حکومت اسلامی در قالب ولایت فقیه اعتقاد یافت. تشکیل این حکومت مستلزم براندازی نظام سلطنتی از یک سو و تبیین تئوریک نظریه ولایت فقیه از سوی دیگر بود که ایشان به طور همزمان هر دو را پی گیری می کرد.

بنابراین، تفسیر نویسنده چالش مذهب و مدرنیسم از کتاب کشف الاسرار، تفسیر موسعی است که بر آثار متأخر امام - که در دهه ۱۳۴۰ تقریر و تبیین شده است - مبتنی و متکی است. از طرف دیگر، این تفسیر تحت الشعاع تفاسیر نوین آثار امام و شرایط سیاسی و اجتماعی ایران بعد از دهه ۱۳۴۰ قرار گرفته است که در آن نظریه ولایت فقیه ارایه شد. در واقع، نویسنده با تأثیرپذیری از آثار متأخر امام خمینی، دانسته ها، پیش فرض ها، علایق و انتظارات خود را بر کتاب کشف الاسرار تحمیل می کند و تفسیری نو - و البته غیر واقع - از آن ارایه می دهد. در حالی که به نظر نمی رسد این کتاب حاوی نظریه حکومت اسلامی و ولایت فقیه باشد. بلکه تنها به

مشخصات حکومت سلطنتی که می‌تواند مورد قبول فقها و مجتهدین باشد - آن هم در چارچوب قانون اساسی مشروطه که بند دوم متمم آن مذهب رسمی کشور را اسلام و شیعه اثنی عشری دانسته و تصویب قانون در مجلس را صرفاً به تأیید پنج نفر از مجتهدین منوط می‌نماید - می‌پردازد.

بنابراین محتوای کتاب حاضر - به رغم برجستگی‌های زیادی که دارد - مستلزم بازنگری و تجدیدنظر در تفسیر متونی است که از دیدگاه نویسنده، حاوی یک چارچوب نظری مشخص برای حکومت اسلامی و ولایت فقیه می‌باشد.

۴- جمع بندی و نتیجه‌گیری و ارایه پیشنهاد

این مقاله انتقادی که معرفی و نقد کتاب چالش مذهب و مدرنیسم را وجهه همت خود قرار داده است، ابتدا به معرفی کتاب پرداخت و مهم‌ترین مطالب آن را به طور خلاصه ارایه نمود. نقاط قوت و ضعف شکلی متن در مرحله بعد، بررسی شد و سپس مهم‌ترین بخش مقاله - که بررسی و نقادی محتوای کتاب است - در معرض داوری خوانندگان قرار گرفت. اکنون جمع‌بندی مطالب و نتیجه‌گیری مقاله در قالب پیشنهادات سازنده و اصلاحی تقدیم می‌گردد. هدف اساسی مقاله بهبود کیفیت کتاب در چاپ‌های آتی است و مطالب انتقادی حاضر می‌تواند در بازنگری آن مؤثر واقع شود. پیشنهادات اصلاحی به شرح زیر است:

۴-۱- شکلی: - جامعیت بخشیدن به اثر از بعد شکلی با افزودن پیشگفتار، مقدمه فصول، خلاصه فصل‌های کلی، فهرست منابع، کتابشناسی، فهرست موضوعی کامل، توسعه فهرست اعلام و به کارگیری کلیه ابزارهای لازم (صوری) برای تفهیم مطالب؛ تهیه و تدوین یک فهرست موضوعی تخصصی، به‌ویژه به زبان فارسی به عربی و برعکس در این راستا کمک زیادی به خوانندگان خواهد نمود و لذا بسیار مهم و ضروری تلقی می‌شود.

- ویرایش فنی و ادبی مجدد در هنگام بازنگری کتاب به منظور رفع غلط‌های چاپی و املائی و شفاف ساختن برخی ابهامات موجود، که به‌طور کلی موجب روان و رساتر شدن متن خواهد شد.

۴-۲- محتوایی: - اهتمام به معادل سازی واژه‌های تخصصی بی‌شمار متن، سبک ادبی و نحوه بیان کتاب را روزآمدتر می‌نماید.

- بهره‌گیری از ابزارهای علمی لازم برای تفهیم بهتر مطالب به فراخور موضوعات مورد بحث الزامی است.

- استفاده از منابع و آثار جدید برای انتقادی‌تر کردن بحث و تأمین روزآمدی مطالب ضروری است. تهیه و تدوین ادبیات موضوع و بررسی آثار منتشره به عنوان یک فصل مقدماتی یا کلیات بحث در این راستا بسیار ضروری تلقی می‌شود.

- توضیح و تبیین لازم و کافی برای بحث دلایل اصلی اختلاف علما در عصر مشروطه که در پرده ابهام باقی مانده است.

- توجه دقیق و اساسی به شرایط سیاسی و اجتماعی و بستر زمانی نگارش مقاله‌ها، رساله‌ها و کتاب‌های دوره مورد بررسی که به نظر نویسنده حاوی مشخصات جدید نظریه حکومت اسلامی و نظریه ولایت فقیه می‌باشد. در حالی که نگارنده بر این باور است که در این شرایط، تبیین نظریه حکومت اسلامی و ولایت فقیه مدنظر نویسندگان این آثار نبوده و نویسنده تفسیر موسعی از آنها، به‌ویژه کتاب کشف الاسرار امام خمینی ارایه داده است. بنابراین لزوم بازنگری و دوباره کاری در این زمینه احساس می‌شود.

- کاوش در مبانی فکری و آبخورهای اندیشه‌های سیاسی رهبران مشروطه، به‌ویژه نائینی و نوری به منظور درک درست از آرا و اندیشه‌های آن دو و تبیین دقیق اختلافات فکری آنها الزامی است و نمی‌توان به تقلیل اختلافات آنها و به رفتار و عملکرد سیاسی شان بسنده کرد. این مسأله مستلزم ترسیم یک چارچوب نظری دقیق و کارآمد به عنوان راهنمای تحقیق و تقسیم‌بندی دقیق نحله‌های فکری سیاسی مذهبی در دوران معاصر می‌باشد. چارچوبی که به تبارشناسی این اندیشه بینجامد.

یادداشت‌ها:

- ۱ - مسعود کوهستانی نژاد، چالش مذهب و مدرنیسم؛ سیر اندیشه سیاسی مذهبی در ایران، نیمه اول قرن بیستم؛ تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.

- ۲ - کوهستانی نژاد. چالش مذهب و مدرنیسم، ص ۳۳.
- ۳ - همان، صص ۳۷-۳۸.
- ۴ - همان، ص ۵۱.
- ۵ - ر.ک. به: همان، ص ۳۸.
- ۶ - ر.ک. به: همان، ص ۳۷.
- ۷ - ر.ک. به: همان، ص ۱۱۳.
- ۸ - ر.ک. به: همان، صص ۱۰۲-۱۱۳ که از صص ۲۹۵ - ۱۸۰ چاپ سوم کتاب کشف الاسرار امام خمینی، نقل شده است.

